

بسم الله الرحمن الرحيم

مصعب ابن عمير و طلب نصرت در مدینه



(ترجمه)

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

**پرسش اول:** دلایلی که حضرت مصعب ابن عمیر رضی الله عنه طلب نصرت نموده کدام‌ها اند؛ با آن که وی رضی الله عنه در مدینه حامل دعوت بود؟ امیدوارم پاسخ قناعت بخش دهید. برادران جهاد

**پرسش دوم:** در پاسخ به پرسش ترک کننده‌گان و تأخیر نصرت چنین آماده است: «آیا مصعب رضی الله عنه در موضوع طلب نصرت فوق احسان به خرچ داد؟» و چنین آمده است: «رسول الله صلی الله علیه وسلم از چندین قبائل طلب نصرت نمود؛ حال آن که آنان کدام پاسخ قناعت‌بخش به رسول الله صلی الله علیه وسلم ندادند و مصعب رضی الله عنه چنین پاسخی را از آنان دریافت کرد.» پس شیخ گرامی، دلایلی که حضرت مصعب رضی الله عنه از اهل مدینه طلب نصرت نموده بیان دارید؛ زیرا برحسب کتب سیرت و نیز کتاب دولت اسلامی شیخ تقی الدین نبهانی رحمه الله حضرت مصعب ابن عمیر رضی الله عنه در مدینه مصروف دعوت مردم به اسلا بود، آنچه ما از نظر گذرانیدیم، وی به طلب نصرت دین نرفته بود. بناءً از شما درین مورد، وضاحت بیشتر می‌خواهم. الله متعال اجر نصیب‌تان کند و همه‌مان را هرچه زود در زیر چتر دولت اسلامی جمع نماید. برادران عطیه جبارین از فلسطین.

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

پرسش‌های تان مشابه اند و اینک ان‌شاءالله به پاسخ‌های آن می‌پردازم:

1- این پرسش مرا به شگفت انداخت؛ شما از من دلیلی را خواستید که حضرت مصعب رضی الله عنه در مدینه طلب نصرت نموده، با آن که وی حامل دعوت در مدینه بود؛ چنانچه "جهاد" فرمود که آیا مردم را به اسلام دعوت می‌نمود؟ به همین قسم "عطیه" فرمود که آیا این طور نیست؟ و آیا طلب نصرت بخش از حمل دعوت نمی‌باشد؟ و آیا طلب نصرت بخش از دعوت بسوی اسلام نیست؟

یقیناً حامل دعوت عامه مردم را بسوی اسلام دعوت می‌نماید، در میان آنان اهل قوت و قدرت را نیز بسوی اسلام دعوت می‌کند؛ دعوت عامه مردم فقط حمل دعوت است و اما دعوت اهل قوت و قدرت نیز حمل دعوت و اما طلب نصرت است. رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از آن که الله سبحانه و تعالی وی را امر به طلب نصرت نمود، وی صلی الله علیه وسلم به قبائلی که دارای اهل قوت و قدرت بودند، رفته و رئیس هر قبیله را بسوی اسلام دعوت می‌نمود، در صورتی که اسلام می‌آوردند، آن‌ها را به نصرت دین دعوت می‌نمود، اما در صورتی که رئیس قبیله از جمله اهل قوت و قدرت نه؛ بلکه از مردم عامه بود، یا این که قبیله وی کوچک و که دارای اهل قوت و قدرت نبود، رسول الله صلی الله علیه وسلم وی را تنها به اسلام دعوت می‌نمود؛ نه به طلب نصرت.

2- این چنین حضرت مصعب رضی الله عنه اهل مدینه را به اسلام دعوت کرد و قرآنکریم را از بهر انتشار اسلام به آنان تلاوت می‌نمود، به سرحدی که حضرت مصعب رضی الله عنه به رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «در مدینه هیچ خانه‌ای باقی نمانده که در آن اسلام داخل نشده باشد و یا یکی از اهل آن خانواده به اسلام نگرویده باشد؛ یعنی مسلمانان تعداد شان 73 تن بوده و به تناسب اهل قوت و قدرت بیشتر شده است.» با این وجود، روابط حضرت مصعب رضی الله عنه با اهل قوت و قدرت آسان شد و در سال یازدهم بعثت نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم حاضر گردیده و موضوع را به رسول الله صلی الله علیه وسلم عرض نمود که اهل قوت و قدرت در موسم حج سال دوازدهم بعثت به هدف ادای حج بیایند، اما رسول الله صلی الله علیه وسلم توانائی آنان را شرط گذاشت.

3- آنچه در کتاب دولت اسلامی پیرامون موضوع آمده قرار ذیل است: وقتی زمان حج فرارسید مصعب رضی الله عنه به مکه برگشت و به رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر مسلمانان و قوت‌شان را حکایت کرد و اوضاع مدینه را برای‌شان بیان نموده گفت: در مدینه حکایتی وجود ندارد؛ مگر حکایت پیامبر صلی الله علیه وسلم و در فضای آن جز اسلام چیزی دیگری نیست و این که مسلمانان در آن جا آن قدر قوت و توانایی دارند که بر اثر آن اسلام بر همه امور غلبه دارد. یا رسول الله صلی الله علیه وسلم تعداد از مسلمانانی که ایمان قوی به پروردگار و استعداد کامل برای بدوش گرفتن رسالت الله سبحانه و تعالی و دفاع از دین وی را دارند، امسال نزد تو حاضر خواهند شد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم از اطلاعات حضرت مصعب رضی الله عنه بسیار خوشحال شد و به فکر عمیق درکارها افتاد و نظری بر جامعه مکه و مدینه انداخت؛ چون در مکه دوازده سال پی‌درپی دعوت کرد و هیچ‌گونه کوتاهی و تقصیری هم نکرد، هرگاه فرصتی دست می‌داد، با تمام توان در راه دعوت می‌کوشید و انواع اذیت‌ها را تحمل می‌کرد. با وجود این همه، جامعه منجمد بود و دعوت راهی در آن نمی‌یافت و علت این همه آن بود که در دل‌ها و نفس‌های‌شان سنگدلی و شدت وجود داشت و عقل‌های‌شان بر دین قدیم منجمد شده بود. لذا به خاطر آن که در روح و روان اهل مکه بت‌پرستی و شرك که مکه مرکز عمومی آن بود، سرایت کرده بود، جامعه مکه قوی‌القلب بود و قابلیت دعوت در آن بسیار ضعیف بود؛ اما در جامعه مدینه با گذشت يك سال بر اسلام چند تن از

مردم خزرج، سپس بیعت کردن دوازده تن و زحمت کشی حضرت مصعب ابن عمیر به مدت یک سال دیگر، این‌ها در جهت ایجاد فضای اسلامی در مدینه و داخل شدن مردم به دین الله سبحانه و تعالی با این سرعت، حیرت انگیز بود.

4- چنانچه دیده می‌شود حضرت مصعب رضی الله عنه قبل از این که اهل قوت و قدرت را به سوی رسول الله صلی الله علیه وسلم ارسال نماید، به رسول الله صلی الله علیه وسلم از انتشار اسلام در مدینه اطلاع داده و نیز با خبر ساخت که اهل قوت و قدرت آماده حضور در موسم حج سال آینده بوده و توانائی آن را نیز دارند. بناءً رسول الله صلی الله علیه وسلم از آنچه مصعب رضی الله عنه برایش گفت، شادمان گردید و قرار گذاشته و توافق نمود که در موسم حج سال دوازدهم بعثت که بنام بیعت عقبه ثانیه مسمی است، اشتراک نمایند.

5- حالا آنچه در کتاب دولت بیان گردیده تکمیل می‌نمایم: در آن وقتی که سال دوازدهم رسالت و موافق 622م بود، قدوم حاجیان را انتظار کرد. حاجیان مدینه زیاد بودند و در میان شان هفتاد و پنج تن از مسلمانان بود که هفتاد و سه تن آن مرد و دو تن دیگرشان زن بود و زنان عبارت بودند از نسبیبه بنت کعب (ام عمار) که یکی از زنان بنی مازن بن نجار بود و اسماء بنت عمرو بن عدی یکی از زنان بنی سلمه که ام منیع کنیه داشت. پیامبر صلی الله علیه وسلم با آن‌ها به صورت پنهانی دیدار نموده در باره بیعت دیگری با ایشان گفتگو کرد؛ بیعتی که تنها بر دعوت و صبر در برابر اذیت خلاصه نمی‌شد، بلکه باید مسلمانان به سبب آن صاحب قوتی شوند که توسط آن از خود دفاع نمایند؛ حتی از آن هم فراتر می‌رود و به ایجاد هسته‌ای می‌رسد که آن سنگ تهاداب برای اقامت دولت اسلامی خواهد بود؛ دولتی که اسلام را در جامعه تطبیق نموده آن را به عنوان رسالت جهانی به سوی مردم جهان می‌برد و با آن قوتی تشکیل می‌داد که از آن حمایت کند و هر مانع مادی را که در راه گسترش و تطبیقش قرار گیرد، دور نماید.

وی صلی الله علیه وسلم با ایشان درین باره گفتگو کرد و آمادگی خوبی از آنان احساس کرد. بناءً با ایشان وعده سپرد که در اواسط روزهای تشریق در عقبه و در دل شب با وی ملاقات نمایند و برای شان گفت: «در آن وقت خواب رفته‌ای را بیدار نکنید و غائبی‌را انتظار نکشید.» همان بود که در وقت معین وعده و بعد از گذشتن سوم حصه اول شب از اقامتگاه‌های خویش بسیار به آهستگی از ترس آن که کارشان افشاء شود، حرکت کردند و به سوی عقبه رفتند. همه‌شان به شمول آن دو زن به کوه بالا رفته در انتظار رسول الله صلی الله علیه وسلم نشستند، لحظه‌ای بعد وی صلی الله علیه وسلم با کاکایش عباس آمدند. عباس هنوز ایمان نیاورده بود؛ اما آمده بود تا پیمان‌هایی به برادرزاده خود بگیرد و او اولین کسی بود که به سخن آغاز نموده گفت: «ای گروه خزرج محمد (صلی الله علیه وسلم) در میان ما در موقعیتی قرار دارد که خود می‌دانید و ما او را از قوم خود، که مثل ما در مورد وی عقیده دارند، حمایت کرده‌ایم. لذا وی صلی الله علیه وسلم در میان قوم خود و در شهر خود از عزت و حمایت برخوردار است؛ ولی او رفتن به جانب شما و پیوستن با شما را اصرار می‌ورزد. پس اگر شما می‌دانید که به آنچه او را به سوی آن فرامی‌خوانید، وفا می‌کنید و او را از مخالفینش حمایت می‌نمایید، آنگاه شما می‌دانید و آنچه به دوش گرفته‌اید؛ اما اگر فکر می‌کنید که بعد از خروج وی (صلی الله علیه وسلم) به سوی شما ممکن است او را رها کرده به دشمن تسلیم دهید، از همین حالا او را بگذارید.»

وقتی سخنان عباس را شنیدند گفتند: آنچه گفتمی، شنیدیم. بعد از آن روی به رسول الله صلی الله علیه وسلم کرده گفتند: خودت صحبت کن یا رسول الله صلی الله علیه وسلم و هر تعهدی که برای خودت و پروردگارت دوست‌داری از ما بگیر. رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از آن که قرآنکریم تلاوت کرد و به اسلام ترغیب و تشویق کرد، گفت:

«أَبَا يُعْكُمْ عَلَى أَنْ تَمْنَعُونِي مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ نِسَاءَكُمْ وَأَبْنَاءَكُمْ»

(رواه احمد)

**ترجمه:** من با شما به این بیعت می‌کنم: از آنچه زنان و فرزندان تان را حمایت می‌کنید، مرا نیز حمایت کنید!

فوراً "براء" برای بیعت به این شرط دست دراز نموده گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم، با ما بیعت کن؛ سوگند به الله سبحانه و تعالی ما فرزندان جنگ هستیم و صاحبان حلقه و زره که آن را از پدران به میراث گرفته ایم... بعد از آن افزودند: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم، اگر ما به آن وفا کردیم، چه پاداشی خواهیم داشت؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم با خون سردی جواب داد: "الجنة" پاداش تان بهشت خواهد بود.

از همه این موارد چنین نتیجه می‌گیریم که رسول الله صلی الله علیه وسلم مصعب را با 12 مرد به خاطر بیعت عقبه اول در سال دهم بعثت فرستاده است که وی رضی الله عنه مردم را در مدینه بسوی اسلام دعوت می‌نمود و از بین کسانی که به اسلام دعوت می‌شدند، کسانی نیز بودند که اهل قوت و قدرت بوده و آنان را به نصرت دین الله سبحانه و تعالی دعوت نمود. بنابراین، حضرت مصعب در سال یازدهم بعثت به رسول الله مراجعه کرده و به رسول الله صلی الله علیه وسلم از حیث انتشار اسلام و از حیث اهل قوت و قدرت و آماده‌گی حضورشان را در موسم حج سال دوازدهم بعثت باخبر ساخت و این که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند که آنچه در توانائی‌شان دارند، برای نصرت دین آماده سازند. رسول الله صلی الله علیه وسلم توافق نموده و با حضرت مصعب قرار گذاشت که در مدینه ببیند و از نتایج طبیعی که به یاری الله سبحانه و تعالی متحقق یافته بود، خوشحال گردید. به این شکل در موسم حج سال دوازدهم بعثت 73 مرد و دو زن حاضر به بیعت عقبه دوم شدند که پس از بیعت هجرت شکل گرفت و دولت اسلامی تأسیس گردید.

بنام عمل حضرت مصعب رضی الله عنه در مدینه رکن اساسی طلب نصرت به‌شمار می‌رود. با این وجود الله سبحانه و تعالی با دستان وی اهل قوت و قدرت را آماده برای نصرت دین خود نمود. در فرجام آنچه حضرت مصعب رضی الله عنه به رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود، برای تان بیان می‌کنم: «مسلمانان در آن جا آنقدر قوت و توانایی دارند که بر اثر آن اسلام بر همه امور غلبه دارد. یا رسول الله صلی الله علیه وسلم! تعدادی از مسلمانانی اند که ایمان قوی به پروردگار و استعداد کامل برای به دوش گرفتن رسالت الله سبحانه و تعالی و دفاع از دین وی را دارند.» الله سبحانه و تعالی حضرت مصعب را مشمول رحمت خود گرداند که با وی فتح بزرگی رخ داد و بیعت دوم عقبه به رسول الله صلی الله علیه وسلم که بعداً هجرت صورت گرفت و دولت اسلامی در مدینه منوره تأسیس گردید. امیدوارم پاسخ کفایت‌تان کند.

برادر تان عطاء ابن خلیل ابورشته

18 ذی الحجه 1439 هـ.ق

28 اگست 2018م